

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند

مردم خواهان دستگیری و اعدام قاتلان و نداد ایمانی شدند (در صفحه ۸)



دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۷

کارگران مبارز چاپخانه یادگاران را مضروب و بازداشت کردند

● مهاجمین کارگران را با قنداق تفنگ می‌زدند و به آنها فحش می‌دادند در این حال کارگران چاپخانه با روحیه‌ای عالی دستهای خود را بهم گره کرده و شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر ارتجاع» می‌دادند.

در چهارمین روز تهمین کارگران و اعضای هیات تحریریه روزنامه «آیندگان» در چاپخانه این روزنامه، پاسداران مسلح بمسل تهمین یورش بردند و آنان را مورد ضرب و جرح قرار دادند. سپس عمده‌ای از آنها را بازداشت کردند.
کارگران و نویسندگان آیندگان از نخستین ساعات اشغال آیندگان، در محل چاپخانه باقی ماندند و بمقاومت در مقابل عوامل دسیسه جیان شد آزادی پرداختند و باین ترتیب به بازداشت ۱۵ تن از همکاران خود و توقیف روزنامه اعتراض کردند.
اما توطئه‌گران که هیچ‌سندی حقیقیانه‌ای را خوش نداشتند، تاب این تهمین را نداشتند و خواستند بهرمنو آنرا متوقف کنند و عملاً بشکل وحشیانه‌ای منطور خود را انجام دهند. آنها ابتدا مانع ورود کسانی که از محل تهمین خارج شده بودند شدند. سپس عمده‌ای از اوپاش چاقوکش را به اطراف چاپخانه فرستادند تا معترضین را بترسانند که پس از دستگیری یکی از چاقوکشان بدست یکی از کارگران و افشای این نقشه پلید و بی‌شرمانه توطئه خنثی شد. بالاخره روز جمعه طاقت تفنگ بدستان تمام شد و همراهِ عمده‌ای فیسر مسلح بمسل تهمین رفتند و خواستار خروج کارگران و کارکنان روزنامه آیندگان شدند. اما وقتی با مقاومت آنان روبرو شدند بقیه در صفحه ۴

کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز مدیران کارخانه را بیرون انداختند و شورای منتخب کارگران اداره کارخانه را بدست گرفت

چندی پیش کارگران انقلابی کارخانه تراکتورسازی تبریز دست بکاری پس بزرگ زدند که در تاریخ کارخانه‌های ایران بی‌نظیر است. آنها مدیران را از کارخانه بیرون راندند



اخلالگران به دفتر هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق و دفتر پیشگام ارومیه حمله کردند و اموال آنرا به غارت بردند

روز جمعه ۱۹ مرداد، به‌تعمیرک ملاحنی دفتر هواداران سازمان و همچنین دفتر دانشجویان پیشگام توسط عمده‌ای مرتجع و ناآگاه به‌آتش کشیده شد. همه کتابفروشی حمله شد و ستم با چاقو زخمی شدند.
روز چهارشنبه گذشته، پس از راه‌پیمایی که بمخالفت با راه‌پیمایی ارتشها در ارومیه برگزار شده به‌چند کتابفروشی و دکه روزنامه فروشی حمله می‌شود و روز جمعه، ملاحنی که هنوز توطئه‌های خود را کامل نمی‌بیند، به‌سرجه وحشیانه‌ای متوسل می‌شود و می‌گوید خون کمونیست‌ها حلال است و پس از نماز باید دفتر کمونیست‌ها آتش زده شود. ملاحنی می‌گوید که در ارومیه نباید کتابهای کمونیستی و روزنامه کمونیستی فروخته شود.
پس از نماز جماعت، حدود ساعت ۳ بعد از ظهر، چند اتومبیل سواری و وانت مقابل

نقش دولت و سرمایه داران در گرانی و افزایش قیمت‌ها

ما در شماره ۱۵ نشریه «طلوع گران» و تورم را در جامعه سرمایه‌داری وابسته ایران مورد بررسی قرار داده و نشان دادیم که منشاء و سرچشمه گرانی و افزایش قیمت کالاها و خدمات را بطور کلی در جوامع سرمایه‌داری باید در سونجوش و حرص و ولع سرمایه‌داران جستجو نمود. اکنون از زاویه دیگری باین مسئله نگاه می‌کنیم.
پس از صیقل و عموماً اقتصادی - سیاسی که منجر به‌قیام بیمن ماه شد حاکمیت‌جده‌پدی را بپای حاکمیت قدیم نشاند. انحصارات و صاحبان سرمایه که از قبل خطر بزرگ حاکمیت خلق را بر سرنوشته خویش دریافته بودند، در شرایط جدید، کوشیدند تا از هر کاری جهت حفظ منافع نامرتکانه خود فروگذار ننمایند. مملوونها تن از کارگران و زحمتکشان به اشکال مختلف و برای مدت نسبتاً طولانی، بقیه در صفحه ۲

با وجود حمایت نماینده وزارت کار از کارفرما و همه توطئه‌های دیگر شورای کارگران مبارز شرکت نفت پارس اراده خود را تحمیل کرد

● پاسخ یکی از کارگران به کارفرما (فرمانفرمایان):
در این ۲۵ سال بر سر ما چه آورده‌اند، چه اینکه ما همیشه پیرتر و بدبخت‌تر شدیم به‌همایمان نان هم نداشتیم بخورند و در عوض، دوتا ویلای شما شش تا شد و شش تا شصت تا. بیگان شما شد کادیلاک و هیندزور بگیرو برو تا آخر.
● نامه کارگران به‌نخست‌وزیری برای همیشه بی‌جواب می‌ماند و لسی تلگراف کارفرما (فرمانفرمایان) به‌نخست‌وزیر، خیلی سریع پاسخ گفتمی‌شود.
● کارگران وقتی فهمیدند که دولت کاری برایشان انجام نمی‌دهد نتیجه می‌گیرند که تنها خودشان هستند که باید دست بکار شوند و با اتحاد و هبستگی مبارزاتشان را پیش ببرند.
● شورای کارخانه با سندیکای مشترک شرکت نفت تملس می‌گیرد، مجمع عمومی تشکیل می‌شود و ثورا فروش محصولات پالایشگاه را بعهده می‌گیرد.
در صفحه ۲

حمله به آزادی مطبوعات مبارزات مردم است

با حمله بمطبوعات می‌خواهند مردم را از ماهیت مجلس خبرگان، تقیلهای انتخاباتی و محتوای قانون اساسی بی‌خبر نگاهدارند
سرانجام مهاجم سریع و مستقیم به‌آزادی‌های که مردم طی سالها مبارزه و دو سال نبرد خوبیار بدست آورده‌اند، آغاز شد. البته از همان نخستین روزهای پس از قیام (و حتی پیش از قیام) داریو دستخاستی تحریک شده برای سرکوب آزادی‌ها و جلوگیری از ادامه مبارزات شد امپریالیستی مردم به‌این سوو آنسو فرستاده می‌شدند اما از آنجا که این اعمال را کافی نمی‌دانند، سرچا و مستقیماً وارد صحنه شده و در نخستین مهاجم سریع و آشکار خود به‌اشغال سلطانه چاپخانه و تعطیل روزنامه اقدام کرده‌اند.
روزنامه‌ها را به‌این دلیل که صاحبان فراری چاپخانه و روزنامه، سرسپرده سیه‌پوستی و سازمان سیا بوده‌اند اشغال و تعطیل کرده‌اند اما هر کودکی می‌داند که همه گردانندگان و صاحب امتیازان روزنامه‌ها، در رژیم گذشته اگر نشریات آنها برای مدتی طولانی دوام آورده‌اند بدون استثناء سرسپرده امپریالیسم بوده‌اند و باز هرکس می‌داند که حساب کارگران و کارکنان روزنامه‌ها همیشه از حیاب دزدان و نوکران سرسپرده امپریالیسم جدا بوده، جدا است و جدا خواهد بود. کارکنان مبارز و بسیاری از کارکنان و نویسندگان آزادیخواه روزنامه آیندگان بیرون ریختند و خود اداره روزنامه را بدست گرفته و آنرا در مسیر مبارزات خلقهای شکتبک ایران قرار دادند. این حقیقت را همه خلقهای آگاه ایران می‌دانند. بنابراین انگیزه حمله مستقیم بمطبوعات را که مقدمه حمله مستقیم و آشکار به همه آزادیها و همه ثمرات انقلاب مردم ایران است، باید در جای دیگری جستجو کنیم.
بدون تردید آنها که نمی‌خواهند در مسیر مصالح و منافع مردم قدم بردارند آنها که خواستار هیچ‌گونه دگرگونی اساسی و زیربنایی در جامعه ایران نیستند، آنها که نه به‌توطئه‌های شکتبک ایران بلکه به‌سرمایه‌داری و حماقت سرکوب آن یعنی ارتش تکیه کرده‌اند آنها که می‌خواهند نگذارند خلقهای شکتبک ما زنجیرهای اسارت امپریالیسم و سرمایه‌داری بقیه در صفحه ۴

پاسخی کوتاه به تحریکات «راديو تلویزیون انحصاری»

تلویزیون قطب‌زاده و خود قطب‌زاده بسی اعتبار از آنجا که بتوانند مردم را بیش از این گول بزنند. دشمنی قطب‌زاده و امثال او از لحظه قیام ۲ به‌امروز لطمه‌ای هم به انقلاب نرسیده است. لژیونم ندارد که ما اصالت قطب‌زاده و داروستانش را در سانسور، جعل و تعریف و تالیف و دروغ بقیه در صفحه ۲

تاریخچه و منشأ رویزیونسم در جنبش کمونیستی (۴)
تئوری سوسیال امپریالیزم انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۴)
در صفحه ۵

«نشریه کار»
دوشنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

نقش دولت و سرمایه‌داران در گرانی...

بقیه از صفحه ۱

بیکار و فشار فوق‌العاده عظیمی را تحمل نمودند. بسیاری از آنان حتی خود را با کمال فناکاری و دلاوری در راه ایستادگی آزادی و دموکراتیک از دست داده و هرچه داشتند فروختند تا هزینه زندگی خود و خانواده‌شان را بپردازند. این امر در تمام نقاط ایران و در تمام طبقات اجتماعی و در تمام سنین و جنسیت‌ها دیده می‌شد.

برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌های هر دولت، نشانه‌ایست که از روی آن می‌توان به‌راحتی طبقاتی‌اش را پیچید، یعنی سلب کرد که آن دولت طیفی از آنکه در حرف چه ادعایی دارد، زحمتکش جامعه طرفداری می‌کند یا آنکه پستی در هر شرایطی، موجودیت سرمایه‌داری و وابسته را پاسداری می‌کند؟

این امر در مورد دولت کنونی نیز صدق می‌کند.

اکنون قریب شش‌ماه است که از قیام پر شکوه ۲۱ بهمن می‌گذرد، بحران اقتصادی همچنان زندگی بودهای محترمتان را زیر فشار فریادها قرار داده است. اکثر کارگاه‌های مردم نیاز اولیه خود را از قبیل برنج، روغن، گوشت، مصلح و پوشاک و پارچه یا بسیار کم‌باز است و یا با قیمت‌های بسیار آفری فروخته می‌شود. در عرض این مدت علاوه بر بیکاری، قیمت‌ها به شدت افزایش یافته و زندگی را برای اقشار محروم جامعه بیش از پیش سخت‌تر نموده است. در این میان نقش سرمایه‌داران و دولت بیش از هر چیز قابل

توجه است. دولتی که بعضی روی کار آمدن، زحمتکشان را به‌سبب و شکنجایی دعوت نمود، هنوز هم بی‌بود و حفظ و تداوم منافع سرمایه‌داران بزرگ داخلی و خارجی را در مرکز نقل برنامه‌هایش قرار داده است. او در حالیکه عوام‌فریبانه کارگران را به‌تحمیل گرسنگی و فشار و توجه به‌منویات تشویق می‌کند (گویا با داشتن یک زندگی مناسب نمی‌توان به‌منویات توجه نمود)، در چند نوبت میلیاردها تومان کمک به‌سرمایه‌داران را به‌پایانه «براه انداختن چرخهای اقتصادی جامعه» در برنامه خود اجرا نموده و آنگاه خود را دولت انقلاب هم می‌نامد.

با توجه به‌کسک‌های دولت (بگو خوش‌خدمتی به‌سرمایه‌داران!)، اکنون این سؤال مطرح است که آیا اصولاً چاره کار در فراموش نمودن چنین مناهجی برای احیای سرمایه‌داری است، یا آنکه چاره کار عبارت از مسامحه اموال و دارائیهای همین سرمایه‌داران است که یک عمر مشغول خوشیدن تومنا بوده‌اند؟ آری، اکنون کارگران و زحمتکشان ایران از خود می‌پرسند که چرا دولتی که به‌نیروی آنان بر سخت قدرت نشسته تا این درجه علیه آنان و بره منافع سرمایه‌داران می‌کوشد؟

کارگری درجانی می‌گفت: «برای کارگران ملی شدن ادعایی دولت در مورد صنایع، بانکها و شرکت‌های اجباری بدون آنکه تمهیری در زندگیشان بوجود آورده‌باشد منافی ندارد.» و کارگر دیگری که می‌گفت: «آیا با ملی شدن کارخانه بازم باید کسی ماهی ۹۵

هزار تومان حقوق بگیرند و دست‌زد کارگران بهمان صورت باقی بماند. و آیا بازم باید کسی باشند که از دوجا حقوق می‌گیرند؟» و اکنون در مقابل، به‌سبب ناپسند دولت، گوش فرا دهید: دشا برای شکم انقلاب نکرده، انقلاب گردید که فهم خودتان را نشان دهید.»

عجب، لایه «فهم» مورد نظر این عالیجنابان! هم تحمل گرسنگی و شرایط غیر انسانی کارگران و خانواده‌های آنانست. اینک مردم از خود می‌پرسند که راستی چرا دولت در هر قدم امکانات و اختیارات جدیدی را در اختیار سرمایه‌داران وابسته قرار داده و از سوی دیگر رنجبران ما را با وعده‌های شیرین سرخرمن و تشویق آنان به حفظ اصول اخلاقی و منوی مسئولیت‌داری؟ آیا این فریب تومنا در راه حفظ مناسبات سرمایه‌داری نیست؟ در هر جا که کارگران با اعتراض نسبت به‌روش کارفرمایان و یا دولت برخاسته‌اند، زندان‌های نامیده شده و حتی در مواردی گلوله‌باران شدند.

ما در اینجا باز هم از قول کارگران چند مثال ذکر می‌کنیم: کارگری می‌گوید: «شا که با می‌گویند انقلاب شده و اضافه حقوق فلا درخواست نکنید پس بیاید جواب بانک رفاه را بدهید که برای خرید یک آونک در زورآباد پنجاه هزار تومان وام گرفته‌ام و با تروتن می‌بایست سدهزار تومان بردارم. به‌بانک رفاه بگویند که انقلاب شده و از من قسط نگیرد.»

کارگر دیگری می‌گفت: «اسلا ما حقوق نمی‌خواهیم، بیاید خرج زندگی ما را برسد کنید و آونک زندگی ما را تا همین نماند، من ۸ سرخاله دارم که قسط دوزی ۲۵ تومان خرج هر بهام است.»

کارگران باید بدانند که زندگی آنان هر روز بهتر از پیش می‌شود. باید بدانند که چرا قیمت کالاها می‌رود صرفتاً هر روز بالاتر رفته در حالیکه در مقابل، مستزاد و انقباض بهمان شکل قبلی باقی مانده و در نتیجه قدرت خرید آنان افزایش نیافته بلکه کاهش هم می‌یابد. باید بدانند که تا اکتبر اقتصادی به‌امریالسم باقی است و تا اکتبر کالاها می‌رود نیاز جامعه از همین کشورها و بعد از دست‌بست شدنهای بسیار قیمت‌های گران وارد می‌شود و تا وقتی که با سرمایه‌داران بر اقتصاد جامعه باقی هستند فقر و سیه روزی آنان نیز شدید خواهد شد و نمی‌توان امید داشت.

کارگران مگر باید بدانند که وقتی از آنان خواسته می‌شود که بیشتر کار کنند حاصل این کار باید چه‌کسانی می‌شود؟ بکجا می‌رود؟ آیا حاصل کار آنان تنها به‌سرمایه‌داران می‌ماند یا باید آنکه واقعا تمهیری در شرایط زندگیشان بوجود می‌آورد؟ آیا کار آنان باعث پائین آمدن قیمت‌ها می‌شود یا آنکه سرمایه‌داران بازم تلاش می‌کنند که قیمت کالاها را بالا برده و سود بیشتری را به‌سبب آورند؟ در یک کلام آیا زندگی مادی و منوی تومنا (کارگر، دهقان، دهقاندار، پیشور، معلم و سایر زحمتکشان)، یعنی خوردن و پوشاک و مسکن و بهداشت و فرهنگشان با کار بیشتر بهبود می‌یابد یا آنکه با مالکیت این زندگی سرمایه‌داران است که هر روز بهتر از روز پیش می‌شود و علاوه بر آنکه باید دید که حاصل کار چه می‌شود؟ آیا پنجاه اکثریت مردم زحمتکش تمام می‌شود یا آنکه جیب منتهی سرمایه‌دار را پر می‌کند و بازم گرانی و کم‌بازی محتاج زندگی گریبانگیر تومناست.

سرمایه‌داران از بحران اقتصادی جامعه سود خود، استفاده می‌کنند. آنان کالاها را خود را در انبارها مخفی نموده و بعد در موفی مناسب همان کالاها را با قیمتی بسیار چند برابر قیمت عادی‌اش بفروش می‌رسانند. اگر چه بالاترین قیمت‌ها باعث بالاترین قیمت مواد اولیه و مواد کسکی و وسائل تولید می‌شود و حتی این بحران سرمایه‌دار طاووی نفعده داشت زیرا او بهمان نسبت و پاحتی بیشتر به‌قیمت‌های خود در بازار می‌افزاید. و شنا بیکاری کارگران و وجود ارتش نظام کارگران بیکار اگر چه خانواده کارگران را در معرض فقر و ازم پایدگی قرار می‌دهد؛ اما سود سرمایه‌داران است چون با بدهید کارگران باخرج و استغاب از نیروی کار ارزان، آنان را وارد باقیول دست‌زدی می‌کند که حتی حداقل زندگی را نیز برایش تامین نمی‌کند. چنین است که بیکاری و گرانی کالاها صرفاً به‌نفع سرمایه‌داران و زیان کارگران و زحمتکشان است.

نگاهی به انتخابات

مجلس بررسی قانون اساسی «خبرگان»

در دوازدهم مرداد انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی (خبرگان) انجام گرفت. اکنون تقریباً نتایج انتخابات معلوم گردیده است. با هستند شرکت فعال و آگاه‌گرا که در انتخابات وجودی که اطلاعات مشروعی در مورد همه حوزه‌ها در دست نیست که بتوان به‌بررسی همه‌جانبه نشست، ولی نتایج اعلام شده و آنچه بوقوع پیوسته ما را قادر می‌سازد بطور کلی به‌بررسی عملکرد خود-برداریم:

ما چند روز قبل از انتخابات یعنی در اول مرداد محل شرکت خود را در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی توضیح دادیم. ما گفتیم که با اوضاع و احوال غیر دموکراتیک که بر جو جامعه در دوران انتخابات حاکم بوده و همچنین نحوه حوزه‌بندی و غیره زمینه‌ای برای انتخاب ناپسندگان و افسوس‌ناک موجود نیست.

اما بنا به‌طولی که توضیح دادیم، که اینم ظل صدها آگاه کردن انخان عمومی به‌خصوص کارگران و زحمتکشان نسبت به‌ماهیت پیش نویس قانون اساسی و ماهیت مجلس با مصطلح «خبرگان» بود، در این انتخابات شرکت کردیم. حال مسئله اینجاست: اگر ما به‌هدف اتمام گراهِ خود رسیده باشیم شرکت در انتخابات مثبت بوده است. زیرا همانطور که گفتیم هدف ما افشای آگاه سازی مردم در تمام زمینه‌های مربوط به‌قانون اساسی و مجلس بررسی آن بود.

ما گفتیم بنا به‌وظیفه خود در قبال مردم در جریان فالیتهای انتخاباتی پیروشی می‌خواهیم به تومنا وسیع خلق نشان دهیم چهره واقعی شد مکرراتیک خود را نشان که قانون اساسی محصول قیام شکوهند مردم دادند. آنها با شکل مختلف از فالیتهای می‌بایست به‌منشور و محتوای فالیتهای ما، سایر نیروهای ضد این مورد از مدتها قبل و در طول فالیتهای امیرالیت مانع می‌شدند. پورترها و انتخاباتی از طریق چاپ مقالات در روزنامه اعلامیه ما را یک برنامه منظم و حساب کار و طی سخنرانیها کوشش کردیم که همه از دیوارها کنده شوند. توزیع کنندگان و محتوای یک قانون اساسی در خدمت خلق را بازداشت کرده و مانع فالیتهای خود پس از ما نوشتیم که منظور ما از شرکت در این آزادی توسط گروه‌های دیگران به‌منشور شد انتخابات آنت که می‌خواهیم خواسته‌های ضرب و شتم قراردادن میدانند، کار این انتخابات کارگران و زحمتکشان شهر و روستا می‌بماند فالیتهای بمانی رسید که رفیق مبارز فدایی را از یک قانون اساسی مترقی بیان کنیم. در ونداد ایمانی را به‌تجاهت رسانند و با این این زمینه چه بوسیله مقالات، چه سخنرانیها عمل جانتکارانه ضمه نکنیم دیگری به در جمیع و در مسائل ارتباط جسمی این امر جانیات خود از روند و ماهیت واقعی خود را بیان کردیم و هر چند وقت کوه بودیم نشان را به‌مردم نشان دادند. حیث حاکمه در جریان استفاده از وسائل ارتباط جسمی بسیار محدود سخنرانیهای ما در این زمینه را در این سازمان ما کوشش کردند خواسته‌های زحمتکشان سخنرانیها را در دوسه روز آخر مسترکز میهن ما را با زتاب کنند. به‌سبب وسعت رفتاری کارگر ما در اینباره به‌تشریح خواسته‌های کار-گران، دهقانان و سایر اقشار محروم خلق پرداخته و از آنجا که کارگران خود بهتر از هر کسی دیگری به‌منشور می‌توانند و خواسته‌های واقفند ستان کاندیدی کارگر، اثر خوبی در آگاهی‌سازی کارگران و زحمتکشان میهنان بجای گذاشت. برای اولین بار کار-گران و زحمتکشان می‌دیدند که لایه حق-طلبانه آنان از زبان هیئت‌میر کارگران در سطح جامعه پخش می‌شد و خواسته‌های آنان از قانون اساسی بیان می‌گردید.

ما گفتیم که می‌خواهیم این واقعه را برای همگان مشخص کنیم که پیش‌نویس قانون اساسی از منضمون انقلاب ضد امیرالیت و تنظیم مکرراتیک خلق‌های ما بونی بر دموکراسی آن تنظیم شد است. مادراین رابطه و در همین فرست کم صخا هزار تراکت در سراسر ایران توزیع کردیم که در آنها بطور روشن و زیبان ساده بنسند اصول قانون اساسی به‌تقد و بررسی کشیده شد و در این نقد و بررسی نشان دادیم که چگونه پیش نویس قانون اساسی در خلاف اهداف انقلاب مردم تنظیم شده است. باین ترتیب مردم به‌این واقعت واقف می‌شوند که چگونه انقلاب آنها به‌بازی گرفته شده و هدیه‌های آن لست شده است.

ما گفتیم که قصد ما از شرکت فعال در مراحل مختلف فالیتهای انتخاباتی اینست که برای همگان روشن کنیم که تنها ناپسندگان حوزه‌های کارگران، دهقانان، پرسنل انقلابی ارتش، دانشجویان دانشگاهیان، کارمندان و سایر اقشار خلقی می‌توانند مجلس موسان گراهِ و آگاه سازی درین مورد و به‌سبب و سبب را تشکیل دهند نه یکمکه بنام مردم کارگران و زحمتکشان ادامه دهیم و در این تحت عنوان با مصطلح «خبرگان». هم چنین راه تمام نیروهای تهرنجخواه و ضد امیرالیت گفتیم که بنظر ما در مقطع کنونی برای نشان و منافع زحمتکشان با ما خواهند بود.

حمله به آزادی مطبوعات

حمله به همه آزادیها و حمله به ثمرات مبارزات...

واپس به آن را پاره‌کننده آنها که می‌خواهند نگذارند مردم از حقوق و آزادیها و پنت سخته می‌گذرد مطلع شوند و علاوه بر آنکه در یک محیط آزاد نمی‌توانند از اینجها و ضایع و در کشته خود دفاع کنند می‌خواهند به‌طریق که شده نگذارند مردم آگاه شوند و از همین رو است که حمله سریع و مستقیم به‌مطبوعات را آغاز کرده‌اند به‌اعتقاد ما حمله سریع و مستقیم به‌مطبوعات در موفیت کنونی عدداً پدیدلای زیر بوده است: کثرت انتخابات فلابی مجلس به‌مصطلح خبرگان را بیش از پیش افشا می‌ماند. از ایران بیرون ریختند دوباره برای توطئه بر علیه خلقهای ایران و برای حفظ منافع امیرالیت و میونسپ به‌ایران بازگشته و بازمی‌گردند از این جهت برخی از فراردهای رژیم شاه با امیرالیت امریکا ایفا شده است. بیرون شک بازگشت جاسوسان و آدم‌کشان امریکایی و ایفاء قراردادهای امرات بار نظامی امری نیست که سرایان درجه‌داران، هم‌افزاره امران میهن‌پرست و تومنا مبارز ایران آن را پذیرفته بنا بر این با حمله به آزادیها می‌گویند حتی المنصور از اشاعه اخبار و گزارشاتی که در این زمینه منتشر می‌شود جلوگیری کنند و مردم را از سرخوش هومی که برایشان نادرگ می‌بینند بی‌خبر نگذارند. خلقهای مبارز ایران مسراهِ خواستار رفع ستم ملی هستند. اما از آنجا که رفیع ستم ملی و آزادی خلقهای ایران منافع با منافع سرمایه‌داری است، می‌خواهند با تکیه به‌ارتش و با ضیق توطئه، تاقه، سلسل خلقهای مبارز ایران را سرکوب کنند و روشن است که مطبوعات آزاد که هرگونه حرکت ارتش را که در جهت سرکوبی مردم باشد افشا کرده و به‌گوش همه خلقهای ایران می‌رساند و از این گشته سربازان درجه‌داران، هم‌افزاران و امران میهن‌پرست ارتش را نیز از توطئه و از افلاحت گورگوراه باز می‌دارند خود منافی بزرگ در راه سرکوب خلقها است. ما حمله به‌مطبوعات را با تدارک ارتش برای سرکوب خلقها مرتبط می‌دانیم.

فرضای مردم از سیاستهای اقتصادی و نظامی که در اساس ادامه همان سیاستهای گذشته است، روز بروز بیشتر می‌شود. امروز اکثریت مردم مبارز ما می‌دانند که آنها کسی که نمی‌خواهند و به‌خطر ماهیت طبقاتشان نمی‌توانند در صبر منافع و مصالح مردم قدم بردارند همان‌گونه که در ماههای گذشته نشان داده‌اند می‌خواهند شکست سیاسی و اقتصادی خود را که طت آن حمایت از سرمایه‌داران بزرگ و مخالفت با خواسته‌های مردم کارگران، دهقانان، مسلمانان، کارمندان، رانندگان، دهقانان و سایر زحمتکشان ایران است به‌سحاب کارکنی نیروهای انقلابی و کمونسیتها بگذارند و طبیعی است که مطبوعات آزاد سدی است در برابر دیوهر دزدیها و مردم فریب‌های آنان.

مجلس به‌مصطلح خبرگان به‌زودی کار خود را آغاز خواهد کرد. این مجلس می‌خواهد پیش‌نویس قانون اساسی را به‌صوب برساند. همان‌گونه که بارها گفته‌ایم این پیش‌نویس مخالفت منافع مردم ایران و به‌سود سرمایه‌داران بزرگ و امیرالیت است. مطبوعات آزاد ماهیت این قانون را بیش از پیش افشا می‌کنند مطبوعات آزاد صدای نیروهای انقلابی را به‌گوش مردم می‌رسانند و پیش از آن که این قانون به‌مرحله اجرا درآید تا حدود زیادی ماهیت آن را برای مردم افشا می‌کنند. آنها که به‌صورت مبارزات دلیرانه مردم بر سر کار آمده‌اند آنها که پس از آن‌همه جانشانی و جان‌پزای مردم ستم‌دیده ایران به‌قنوت خریده‌اند امروز بجای تکیه به‌قنوت تومنا و به‌بازی حمایت از آزادیها که باعث آگاهی و اتحاد تومنا می‌شود به‌مقابل به آزادیها به‌راستند. حمله مستقیم و آشکار به‌آزادی مطبوعات، مقدمه حمله مستقیم و آشکار به‌آزادیها، همه ثمرات مبارزات مردم و همه نیروهای انقلابی است. تنها و تنها هنگامی، هتباری و اتحاد همه خلقهای ستم‌دیده ایران و همه نیروهای انقلابی ضد امیرالیت و منافع زحمتکشان می‌تواند انصار طلبان را از ادامه هاجم به‌ثمرات انقلاب بازدارد و راه ادامه مبارزات ضد امیرالیتی مردم ایران را هموار گرداند.

پیش‌نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است



فرزند يك كارگر آتش گرفت

يكی از اطافهای سیار (حمل بار) که بعنوان خانه مسکونی توسط صنایع نظامی به کارگران داده شده است آتش گرفت و فرزند يك کارگر سوخت

پیش از ظهر روز سه شنبه پانزدهم مرداد هر چند ماهه يك کارگر صنایع نظامی بواسطه آتش گرفتن يك «کانتینر» آری تپویی که خانه آنها بود سوخت. آتش سوزی بهت اتصال برق در بدنه آلومینیومی کانتینر بوجود آمد. اتصال زمانی پیش آمد که مادر کودک دوشاخه ضبط صوت را در بریز زد و ناگهان «خانه» آتش گرفت. دو کودک دیگر خانواده که توانایی راه رفتن داشتند، نجات یافتند و مادر که خود شدت وحشت زده شده بود نتوانست مهدی را نجات دهد. دستکاهای آتش نشانی که شرکت صنایع نظامی در اختیار ساکنان کانتینرهای قرار داده بود، بواسطه کهنه بودن و فاسد شدن مواش کاری از پیش نبرد و فقط يك کارکنان شرکتی که در نزدیکی محل کانتینر ها قراردارد موجب خاموشی آن و سرایت نکردن آن به دیگر کانتینرها شد. هنگام واقعه پس از آن، اهالی بندتختسگین و ناراحت بودند. آنها می گفتند: «از چهار سال پیش که ما بتدریج در شرکت استخدام شده ایم، شرکت این: کانتینرها را بجای خانه برای سکونت به ما داده است. از همان موقع تاکنون هم مرتب به ما قول دادن خانه می دهد، اما هنوز از خانه خبری نیست.»

دانشجویان ایرانی در خارج پلیس آلمان را محکوم می کنند

۳- انتشار لیست اسامی کلیه جاسوسان و عناصر وابسته به سازمان امنیت در خارج از کشور همراه با اسامی و مدارک موجود. ۴- خواست تحویل جاسوسان و عناصر وابسته بسواوک بمضامین مسئول ایران از طرف دولت آلمان. ۵- عدم تعدید پاسپورتهای جاسوسان و عناصر وابسته بسواوک نمایندگیهای دولت ایران در خارج از ایران. لازم بتذکر است اعتراض ما به رسانهای گروهی دولتی نیز میباشد این رسانها در رابطه با رویدادهای آلمان در روزهای گذشته جریانی را با نام کنفدراسیون بصرم ایران معرفی کردند که سالهاست از جنبش شرقی دانشجویان ایرانی طرد شده است. این جریانی (CIS) که بنیال سیاست جمهوری تودهای چین از سیاستهای شاه در اوک پستیانی کرده و نقش او را در منطقه قشعی ضد امپریالیستی میداند و در ماههای اخیر به پستیانی از عناصر خانی چون پستیاریادخته بود مدت زیادی است که از کنفدراسیون اخراج شده و هیچ اجازه ای برای استفاده از نام پستیاریادخته کنفدراسیون ندارد. بنابراین ما خواهان تصحیح این امر از طرف رسانهای گروهی دولتی بوده و مسرا خواستار فراتر این پیایه به منظور روشنتر کردن انجان صومر نیست به این جریانی اسرائیلی از طرف همان رسانها میباشد. کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

اخلاقگران به دفتر هواداران سازمان ...

در این میان، اداره آتش نشانی که در فاصله نزدیکی از دفتر واقع است پس از ۳۵ دقیقه از شروع آتش سوزی ماشینی خود را بمسطل فرستاد. همچنین سرهنگ قربانی، رئیس پلیس ارومیه (در مساجه با «پامداد» - شماره ۸۵، ۲۵ مرداد) اظهار داشت است که بوسیله مأمور گنت از حادته اطلاع یافته و در حضور در محل با اقدام انجام شدیدی و پروه شدت است. تحریکات جلوی دفتر بیشتر بوسیله هدای عناصر شناخته شده که همیشه در اینگونه جریانات شرکت دارند انجام می گرفت. ویکنفر در جلوی دفتر میخواست از صحنه عکس بگیرد که دوربینش بوسیله همین افراد ضبط به آتش کشیدند.

ما سالهاست داریم زحمت می کشیم ولی در جواب فقط حرف شنیده ایم و عمل ندیده ایم

این ندای يك کارگر که بیش از ۳۵ سال در بهترین قطه پالایشگاه آبادان کار می کند است. من يك کارگری هستم و می خواهم جواب آقای داریوش فروهر را راجع به سخنرانی خود در خوزستان بهم بفرستد این جواب منم اثری در وضع ما کارگران و طبقه محروم نمی گذارد ولی باز بگذرید عقیده خود را بیرون بفرم قسمتی که سالهاست در بدل ما کارگران همینطور بارور شده است همین سخنران و ودهد های که آقای داریوش فروهر به کارگران می دهد پنجاه سال پیش همین وضع را حکومت استبدادی محمد رضا پالانی به خود ما کارگران می داد من نمی دانم آقای داریوش فروهر خودش را گول می زند یا کارگران را نفهم حساب می کند ما کارگران کاملاً داریوش فروهرها را می شناسیم. آقای داریوش فروهر که الان سگه اسلام و مرد انقلابی را به سینه می زند ایتال تو زیاد بودند و هستند و ما فریب این قیافهای بظاهر اسلامی و انقلابی ولی در باطن ضد اسلامی و ضد انقلابی را نمی خوریم ما کارگران باید چقدر سادهاشیم که گول ایتال تو بخوریم و در بخوریم شما در مساجه خود می گوید کار بیشتر بکنید بنظر بیشترت ملکت خود ما سالهاست بنظر

کارگران مبارز چاپخانه یادگران را مضروب و بازداشت ...

این تمامی ماجرا بود و بقول همکارانی که هم چیز بسادگی انجام شده، واقعا برای آنها چقدر ساده بود که ما را از خانه ما بیرون کنند و دوستان ما را بازداشت نمایند. و چقدر ساده تاریخ را دوباره برایشان تکرار کردند هنوز چندی از واقعه قبلی نمی گذرد: از هاری آمد سرکار. و این غلام حلقه گوش اسبک، اولین شریک ما در مطبوعات زد و ساخت پاک خانه ما را بوجوب تنگیهایش آلوده کرد. نیمه شب چکمه پوشان به چاپخانه ما حمله کردند تا به خیال خود صدای ملت طالب آزادی را خفه کنند و دیدیم که چشده دیدیم که چگونه صدای این ملت قهرمان از نجرهای پنهان و آشکار بفریاد تبدیل شد و طومار ظلم این دشمنان خلق را دردم نوردید. ما آرزو را از یاد نبردیم. دیروز را نیز از یاد نخواهیم برد فقط آنچه ما به تعجب و ولمی وارد تنه این دو «روز» است. اینکه چکمه پوشان می گفتند در «صبر» آیدگان عناصر انقلابی و وطن فروش وجود دارند لغز عادی بود. اما نسبتاً همین اتهامات از سوی «برادران» مسلح به سینه های روزهای کارگران متهدی که در سیاه ترین روزهای حکومت نظامی دوش به دوش ملت قهرمان مبارزه کردند بنظر غیرعادی می آمد. فرمانده افراد مسلح مرتب به ما می گفت که حقوق کارگران محفوظ است اما حتماً نمیدانست آن حقوقی که ما کارگران می شناسیم با آنچه که او می گوید تا چقدر تفاوت دارد هرگز به نهنش نمی رسید که این هم حق ماست که در محل کارمان صوم از هر نوع تعرض باشیم. حق کارکردن از حقوق ماست و نمی توان به آن تعرض شد. آنچه به نهنشترین شکل و با کمک افراد مسلح. کارگر به حقوق خود کاملاً آشناست و حقوق دیگران را نیز می شناسد و میداند که نباید همکاران تحسری ما را حین کار توقیف و به نقطه نامعلومی منتقل نمایند؛ کارگر میداند که آزادی نثر افکار هم از حقوق بسیار مهم هر جامعه آزاد است. آشناس با تمام این حقوق است که

بیانیه اعتراضی کارگران مبارز چاپخانه یادگران (آیدگان)

در مبارز ایران درگرامر کار نیروزی بودیم که تاگهان این خبر در چاپخانه پیچید: «افراد مسلح چاپخانه را محاصره کرده اند.» پلانسه بعد از تماس با محاصره کنندگان معلوم شد هیات تحسری روزنامه آیدگان نیز به نرنوت ما دچار شده است و تمامی دوستان در محل کارشان متوجه خروج شدند. مسئول افراد مسلح ملت این امر را مدارک و اسنادی ذکر کرد که چست داستانی انقلاب اتاده است، دال بر اینکه اموال این عوسه «طغونی» است. وی با عنوان کردن همین ملت به کارگران - ما - فرمان داد چاپخانه را ترك کنند. اما این حرکت با واکنش ست کارگران که می گفتند حاضر بترك «خانه» عسود نیستند روپرو شد. افراد مسلح پس از روپرو شدن با عکس العمل کارگران ماشینی های چاپخانه را بهر و موم کردند و کارگران نیز در محل چاپخانه دست به همسین زدند. در همین حال ما مطلع شدیم که سیزده تن از همکاران تحسری و اداری ما نیز بازداشت شده اند که هنوز از نرنوت آنها اطلاعی نداریم.

سه کارگروناظر بر انتخابات خرمشهر دستگیر شدند

خرمشهر - ۳ تن از نمایندگان کارگران شرکت ایران ترمینال پهناسی میدانی دریس داشتند بهت اعتراض به افرادی که لیست محمد حاسی و حسین کبب الهی در جریان رای گیری روز جمعه ۵۸۵۱۲۲ خرمشهر بوسیله افراد کمیته دستگیر و زندانی شدند که بعنوان اعتراض به این عمل غیرقانونی دست به اعتراض غنبا زدند. این ۳ نفر که به درخواست کارگران اداره

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

با وجود حمایت نماینده وزارت کار از کارفرما و همه توطئه‌های دیگر شورای کارگران مبارز شرکت نفت پارس اراده خود را تحمیل کرد

تعداد کارگران و کارمندان ۵۰۳ نفر
سهامداران قبلی شرکت: کمپانی شل ۲۵ درصد
درد
سازمان گسترش ۴۳٫۵ درصد
حاج حسین شیانی ۶۰ درصد (فراری)

کمپانی ای.تی.تی. (I.T.T.) بانام
صالحه جودید
سیروس فرمانفرمایان (۴۰ درصد
آی.تی.تی. هم شریک است) ۲۵ درصد



شرکت نفت را در نقاط مختلف پالایشگاه نصب می‌کنند و روی یکبارچه بزرگ می‌نویسند «شرکت ملی نفت ایران، پالایشگاه کرج».

همچنین متن نامه شورا به نخست‌وزیر و وزارت کار تصویر روزنامه‌ها می‌شود. (در نامه اخبار شده که کارگران مانع فروش محصولات شدند و درخواست کردند که بنایند دولت جهت نظارت اجراء گردد).

در همان روز دو نفر از نمایندگان به شرکت نفت می‌روند تا جریان را دنبال کنند. حسابدار شرکت نفت ادعا می‌کند که شرکت نفت پارس طبق مدارک در دوامه اول سال شش دانه است (مدارک توسط فرمانفرمایان به وی ارائه شده بوده است). نمایندگان می‌گویند مدارک تقلبی است و در رد آن توضیح می‌دهند که بخشی از تولید در قوطی‌هایی که علامت شرکت شل را دارند درآبار مانده است و فروخته نشده است و آمارش هم در لیست فروش نیست. در اینجا نماینده شرکت نفت که در حال سی در اشکال‌نمایی نموده است سلاح مسلح می‌شود. و از این به بعد کارفرما (فرمانفرمایان) به این در و آن در می‌زند تا بلکه از ملی شدن جلوگیری کند. بهین خاطر تلگرامی به بازگان می‌زند و دوباره پرچم اخلاک‌گریه کارگران و شورا می‌زند و دولت را تهدید می‌کند که کار ما را یکسر کنید از طرف دیگر اوامش بکار می‌افتد و مدیر عامل قصد دارد که از خرید ظروف (جهت پرکردن محصول) سر باز زند. کارگران این توطئه را غشی می‌کنند و به او اخبار می‌کنند که حد اکثر ظرف یک هفته باید قرارداد خرید ظروف تجدید شود والا دیگر او را به دفتر مرکزی راه نمی‌دهند. فرمای آرزو قرار می‌دهد که قرارداد تجدید شود. از طرفی مدیر عامل برای از بین بردن اعتماد بین کارگران و کارمندان به کارمندان می‌گوید که اگر به شرکت نفت ملحق شوید حقوقتان کم می‌شود که این هم با انگاری کارگران بدون نتیجه می‌ماند.

نتیجه می‌شوند که در حقیقت به‌خواست اصلی کارگران که همانا پیوستن به شرکت ملی نفت است توجیه نشده است و در نامه فقط ذکر شده است: «کارگران از شرایط واقعی خود و از تصور رفتار شرکت نفت پارس اظهار شکایت نموده‌اند» کارگران با وزیر کار درخواست ملاقات می‌کنند. عملاً با پیانه اینکه در مسافرت است و تا یکماه فرصت ملاقات ندارد به‌خواست کارگران توجیه نمی‌شود. کارگران کلاً بی می‌روند که دست وزارت کار در دست سرمایه‌داری چون شل و فرمانفرمایان قرار دارد. و بدون توجه از وزارت کار خارج می‌شوند. (از نکات جالب توجه این است که نامه کارگران به نخست‌وزیر و بیون جواب می‌ماند و هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد. در صورتیکه چند روز قبل که فرمانفرمایان تلگرامی به نخست‌وزیر می‌زدند تا کارگران مبارز را اخلاک‌گریه و خرابکارگری کند لغت وزیر خیلی سریع تلگرامی به وزارت کار می‌زند و مسرعه می‌خواهد که قضیه دنبال شود و نتیجه بوی اطلاع دادم شود. این است (حمایت) دولت از کارگران و «مبارزه با کارفرمایان»!

سرمایه‌دار در اثر مبارزات قاطع و پیگیر کارگران شرکت نفت، ۲ نماینده جهت کنترل و نظارت به پالایشگاه اجراء می‌دهد ولی متذکر می‌شود که اجراء نماینده به‌مندی در دست گرفتن پالایشگاه، نفت پارس توسط شرکت نفت و کارگران نباید چنین خیالی بکنند! روز شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۵۸ یک نفر به نمایندگی از طرف وزارت صنایع برای نظارت به کارخانه اجراء می‌گردد و وزیر شورا پالایشگاه می‌شود. اوامش دولتی می‌کند که در مورد قانونی بودن و کارشناسی کارفرما ارائه کنند تا بتواند پالایشگاه آنها را در دست گرفت (بعداً خیانت دارد). کارفرما، فرمانفرمایان منصور است. یکی از شرکاء خیالی فراری است، خود جواهرات شل در پالایشگاه می‌ماند. تمامی کارگران و کارمندان صفا پارتی‌نژاد خود را نشان می‌دهند و پشتیبانی کامل خود را از ملی شدن اعلام می‌نمایند و غیره و غیره... تازه نماینده دولت انقلابی از کرب گران دلایل «مسئله پند» می‌خواهد. بهر حال کارگران چنین مورد سوء استفاده شرکت را با مدارک لازم نشان می‌دهند و دلایل کافی را ارائه می‌دهند تا دولتی که خود را انقلابی می‌داند بناچار، بکند دلایل «مسئله پند» اصلاح اراده کارگران را قانونی کند!

پس از قیام شکوهمند خلق‌های ایران، کارگران آگاه شرکت نفت پارس نیز ملت‌ساز دیگر کارگران آگاه و پیشرو، شاد شورا را مطرح می‌سازند و آن را تبلیغ می‌کنند. طبرعم تبلیغات منفی و کارکنی‌های کارفرما شورا تشکیل می‌شود. و کارگران شل کارخانه، که سابق مبارزاتی قابل توجه داشتند، بنایندگی شورا برگزیده می‌شوند و شورای مرکب از ۷ کسبه برای رسیدگی مسائل مختلف کارگری تشکیل می‌گردد. با توجه به زمینه مساعدی که وجود داشت، شورا مسئله اخراج کارکنان خارجی را مطرح می‌کند و در همین رابطه به تبلیغ علیه کمپانی شل می‌پردازد. شورا دیگر خواسته‌های کارگران را نیز مطرح می‌کند و رسیدن به آنها را در برنامه کار خود قرار می‌دهد. این خواسته‌ها عبارت بودند از: اضافه حقوق، حق مسکن، کم کردن کارمزد وام کارگری تا ۲۰ درصد، تعیین محلی برای تشکیل جلسات شورا و غیره. امضا شورا پس از شروع بکار و سنجیدن اوضاع کارخانه و نظر دولت (که پشتیبانی از آنها نبود)، اکثریت خواسته‌های حق خود را کنار می‌گذارند و اولین حرکت خود را برای گرفتن حق مسکن، این‌اندلیس ترین خواسته کارگران شروع می‌کنند. روز بیست و نه اردیبهشت مسئله را به مدیر عامل می‌گویند. او ۲ روز مهلت می‌خواهد. جلسه روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت تا شرکت‌نمایندگان کارگران و مدیرعامل (ملی نادر) تشکیل می‌شود. مدیرعامل که نیش جرات در دست بود و حتماً طبق جناب بازگان را شنیده است در مقابل خواست محلی کارگران مقاومت می‌کند و جواب رد می‌دهد (توضیح آنکه در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت نخست‌وزیر به‌طورهای کارگران هشدار داد که در صورت کارخانه مخالفت نکنند و با کارفرمایان در مورد حمایت دولت از آنها اظهار نمانند). کارگران میزان هزینه مسکن را کم می‌کنند ولی به‌هم مدیر عامل با کمال وقاحت نمی‌نیرد.

درینجا لازم است توضیح به‌هم که درین حرکت کارگران یک نکته مثبت و یک نکته منفی وجود دارد: نکته مثبت ارزیابی نسبتاً دقیق اوضاع و احوال کارخانه است. که درین رابطه موقتاً خواسته‌های دیگر را کنار می‌گذارند و به‌طورترین آن هزینه مسکن بود. به‌راند تا بتوانند با متحرک کردن همه نیروی خود روی آن، حق خود را بگیرند. ولی نکته‌منفی آن‌جاست که کارگران در مقابل مقاومت مدیر عامل عقب می‌نشینند و مقدار هزینه مسکن را کم می‌کنند. این کار باعث می‌شود که مدیر عامل جلوتر بیاید و فکر کند که اگر مقاومت بیشتری بکند کارگران خواسته خود را باز هم پان‌تر خواهند آورد. در صورتیکه کارگران باید قبل از شروع هر مبارزه یا حرکتی نیروی خود و دشمن را بسنجند و امکان صلی شدن آن خواسته‌ها را نیز دقیقاً تعیین کنند تا در ضمن مبارزه مجبور به ضعیف‌نشی نشوند. بحث و مجادله بی‌سن کارگران و مدیرعامل ادامه پیدا می‌کند و حتی به‌گیری هم می‌کند. در ضمن یکی از این بحث‌ها مدیر عامل ادعا می‌کند که شرکت ضرر می‌کند و بهین دلیل نمی‌تواند هزینه مسکن را افزایش دهد. یکی از کارگران جواب می‌دهد: ۱۸۵ سال است ما ضرر می‌کنیم، یکسال هم شما ضرر بکنید. یکی دیگر از کارگران می‌گوید: «من وقتیکه با پالایشگاه آمدم، تا یک روز اندازه یک لیوان بود و گرس‌سازی با اندازه یک فنجان. حالا پالایشگاه باین بزرگی را از کجا آورده‌اید».

بنیال این جریان سیروس فرمانفرمایان تلگرامی به نخست‌وزیر می‌زند و در آن‌مبارزات حق‌طلبانه کارگران را حرکت «ده السی» پان‌ده فرد اخلاک‌گریه و انبوه می‌کند و از پس از طرح شمار در مجمع عمومی کارگران، نامه‌های به‌موان رهبری انقلاب نوشته می‌شود و در آن خواسته‌های کارگران (دها) انتظار داریم که اولاً: دستهای خون‌آشام‌شرکت انگلیسی نل را از روی سر ما بردارد) و عیانت‌های کارفرما را توضیح می‌دهند و همه کارگران و بیشتر کارمندان آرا امضاء می‌کنند و خواستار الحاق به شرکت ملی نفت می‌گردند. عین چنین طوماری را به‌نصبت وزیر، شرکت ملی نفت (ترقی) و دختر آیت‌الله طالقانی می‌فرستند. در این مرحله اکثریت این مراجع یا قضیه را پشت گوش می‌اندازند و یا سعی در اشکال تراشی می‌کنند. دختر امام و نخست‌وزیر جریان امر را به وزارت کار ارجاع می‌کنند و عملاً قضیه را از سر خود باز می‌کنند. نماینده وزارت کار (صدوقی) می‌گوید: مسئله ملی شدن به‌جا مربوط نیست و به شرکت نفت مربوط است. کارگران شوال می‌کنند پس وزارت کار برای چیست؟ صحتی تنها جوابی که می‌دهد اینست که ما برای کارفرما نامه‌های نوشته‌ایم. کارگران از نامه بی‌اطلاع بودند و اعتراض می‌کنند که چرا رو نوشت نامه به کارگران داده نشده است. هنگامی که کارگران متن نامه را می‌خوانند،

پاسخی کوتاه به تحریکات «راديو-تلویزیون انحصاری»

همه کسانی را که برای فریب توده و دفاع از منافع کارگران به‌موان می‌نشینند برای آنها روشن سازند. مردم آگاه ما امروز به‌وی می‌دانند که قلب زاده و امثال او از روزی که باهمین ما گذاشته‌اند رائلشان ایجاد نفاق میان‌نیرو ما و بعضی شایعات نفاق افکنانه و خلاصه‌امان زدن به‌فناهای درون خلق بوده است. مردم می‌دانند که این عناصر برای دفاع از منافع چه کسانی وجه قدری‌هایی در لاک منقلب فرو رفته‌اند و البته اقلیتی هم که هنوز مایهت این افراد را نمی‌شناسند. به‌کمک مردم آگاه و مبارز و در مجری‌بها روزانه خود، به‌زودی خواهند شناخت. و اما «دمردود فیل مونتال» شده این را هر کسی می‌داند. که اینها با همان دولتی‌هایی که دارند می‌فواند حرکتی در دلتان خواست بکنند و محبت همان شماره‌ای که از رفیق ما امضاء گرفته‌اند، هر چیزی را سرهم بندی کنند. به‌مرحال ما گفتم که اگر اینها راست می‌

براندازی‌های هوانفریابه و همچنین هم‌دستی با گروه‌های فلاتر برشماریم و از هوانفریابی که تاکنون این اصالح برای مردم ما داشته است حرف بزنیم، اینها را دیگر امروز همه مردم آگاه ما می‌دانند. قطب‌زاده همین چند شب پیش در تلویزیون انحصاری خود اعلام داشت که کمونیست‌ها لباس روحانیون را پوشیده‌اند و با این لباس به‌صنام زنانه رفته، شکم زن حامله را دریده و سرچین را بریده‌اند! آیا واقعا این‌گونه حرف‌های بی‌شماره که بدون تردید حرکتی‌گرم جو عقل داشته باشد باور نمی‌کنند. جواب دارد! آیا باید به هر دروغ مبتذل و بی‌مقداری پاسخ داد؟ مردم آگاه ما خود بهتر از هر کسی مایهت این‌گونه هوانفریابه را درها سال‌هاست که می‌شناسند. البته این قبیل هوانفریابه‌ها ممکن است ناآگاهترین و ساده‌لوح‌ترین آنها را بر فریب و این برهمه مردم آگاه ما است. برهمه عناصر مبارز است که با حوصله و فراغت عناصر ناآگاه را مطلع کنند و مایهت

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر



تاریخچه و منشاء رویزیونیسم در جنبش کمونیستی (۴)

تئوری «سوسیال امپریالیسم» انحراف از مارکسیسم-لنینیسم است (۴)

در مقاله گذشت از ماهیت رویزیونیستی «دولت صالمت‌آمیز» و «راه پارلمانی» صحبت کردیم. در این شماره دیدگاه رویزیونیستی‌های مفسر را در خصوص «هنریتی صالمت‌آمیز» بررسی می‌کنیم. حمایت از جنبش‌های انقلابی پروتاریای سوسیالیستی در کشورهای پیشرفته و پشتیبانی از جنبش‌های دموکراتیک و انقلابی در تمام کشورهای بطور اعم و در کشورهای مستعمره و وابسته بطور اخص «مضمون اصلی سیاست بین‌المللی حزب ما است.» (لنین، پیش‌نویس برنامه حزب کمونیست «پیش‌نویس حزب بلشویک»)

جنگهای داخلی پایان گرفت، دولت شوروی بنای ساختمان سوسیالیسم را آغاز کرد و سیاست خارجی خود را به‌جهان‌آباد اعلام نمود. دولت جوان شوروی در حالی سیاست خارجی خود را اعلام می‌کرد که برای تکمیل موانع خود و انجام اصلاحات فوری و بی‌درستی بنای سوسیالیسم پیش از هرچیز به‌سلب با دولتهای امپریالیستی و کشورهای حسیایه نیاز داشت.

● بطور کلی چه لنین و چه دیگر رهبران حزب بلشویک سیاست همزیستی صالمت‌آمیز را برای هموار کردن راه انترناسیونالیسم و پیروزی کارگران و خلقهای جهان می‌خواستند

بعضی آن‌که بتواند به‌اتحاد چاهای شوروی حمله‌ور خواهد شد. او می‌گفت همزیستی صالمت‌آمیز میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری نمی‌تواند برای مدتی طولانی وجود داشته باشد چرا که امپریالیسم ماهیت تجاوزکار و دشمن سوسیالیسم است. همزیستی صالمت‌آمیز از دیدگاه لنین چه مفهومی داشته؟ به‌اعتقاد لنین منافع اقتصادی امپریالیسم به‌گونه‌ای است که هرگز نمی‌تواند با سوسیالیسم از در صلح درآید. دولت سوسیالیستی برای جلوگیری از تجاوزات و تجاوزات امپریالیسم برای دستیابی به صلح باید حمایت کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری را به‌خود جلب کند. چرا که زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری مانع جدی در برابر تجاوزات امپریالیسم به‌شمار می‌آیند. سوسیالیستی ایجاد می‌کنند. علاوه بر کشور سوسیالیستی باید با پیش‌گرفتن سیاست همزیستی صالمت‌آمیز با کشورهای امپریالیستی به‌ترین نسوری استفاده کند.

● رویزیونیستها زیر شعار همزیستی صالمت‌آمیز لنینی به نفی انقلاب، به تبلیغ گداز صالمت‌آمیز و سازش طبقاتی پرداخته‌اند و این سیاستی است که اساساً با همزیستی صالمت‌آمیز لنین مغایر است.

لنین بر این اعتقاد بود که اعلام سیاست همزیستی صالمت‌آمیز برای اثبات صلح‌دوستی دولت سوسیالیستی و برای جلب حمایت کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی ضروری است. اما هرگز نباید فراموش کرد که وجود کشور سوسیالیستی اساساً مخالف منافع و بهر خلاف تمایلات امپریالیسم است و هرچقدر هم که کشور سوسیالیستی از صلح و همزیستی صالمت‌آمیز دفاع کند باز هم امپریالیسم در نخستین فرصت به‌ناپودی آن برخیزد. «تصل وجود جمهوری شوروی در کنار دولتهای امپریالیستی برای مدتی طولانی دور از عقل است. سرمایه‌داری برای هر چه صالمت‌آمیز لنین مخالف است.

یکی از جنبه‌های دیگر رویزیونیسم مفسر تفسیر سیاست همزیستی صالمت‌آمیز لنین است. رویزیونیستها با تفسیر انبساط لنین و وارونه ساختن جوهر سیاست همزیستی صالمت‌آمیز لنین و دیگر رهبران حزب بلشویک، به‌نیی انقلاب و تبلیغ گداز صالمت‌آمیز برخاستند. ما در این جا برای روشن شدن مطلب، مفهوم سیاست همزیستی صالمت‌آمیز لنین را به‌توضیح توضیح می‌دهیم و آن را با همزیستی صالمت‌آمیز رویزیونیستها مقایسه می‌کنیم تا روشن شود که این دو «همزیستی صالمت‌آمیز» نه تنها هیچ شباهتی باهم ندارند بلکه باهمدیگر مغایرند. هنوز حدود سه سال به‌انقلاب کبیر اکتبر مانده بود که لنین با تحلیل علمی و دامنه‌ای خود از امپریالیسم به‌این نتیجه رسید که «سوسیالیسم نمی‌تواند هرگز در کشوری که در آن هنوز هیچ‌کس نیست و به‌علاوه با چند کشور پهن‌پروزی خواهد رسید و سایر کشورهای هنوز برای مدتی همچنان در لقمه سرمایه‌داری یا پیش از سرمایه‌داری خواهند ماند.»

(لنین، برنامه نظامی انقلاب پروتاری) لنین پیش‌بینی کرد که در این صورت، کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه‌داری و پیش از سرمایه‌داری باید برای مدتی در کنار هم زندگی کنند. پس از انقلاب کبیر اکثر دولت‌های کارگری به‌رهبری لنین پارها سیاست صلح خواهانه خود را به‌تمام جهان اعلام کردند. اساساً امپریالیستها که به‌ناپودی نخستین دولت سوسیالیستی جهان کمر بسته بودند می‌خواستند به‌ر نیروی شده، پیش از آنکه اتحاد شوروی بتواند برای خود بایستد دولت کارگران را سرکوب کنند. به‌مدخله صلحانه در شوروی دست زدند و با حمایت مستقیم و فعال از بورژوازی و ارتجاع داخلی با دولت کارگری وارد جنگ شدند. امپریالیستها و ارتجاع داخلی سرانجام از ارتش انقلابی کارگران و دیمتاقان شکست خوردند. بطوری که در سال ۱۹۲۵ دولت شوروی تقریباً شد انقلاب را در شوروی سرکوب، ساخته بود. در سال ۱۹۲۵ که

در این شماره دیدگاه کسانی که «انبات» را با سرمایه‌داری برابر می‌گیرند مورد بحث قرار می‌دهیم. در دهه ۱۹۳۰ که بنای صنایع سنگین شوروی ریخته می‌شد. رویزیونیستها (مفسرود حسان رهبران سوسیال دموکراسی است) که سالها بود نظریه «گداز صالمت‌آمیز و راه پارلمانی» را تبلیغ می‌کردند با خوشحالی مدعی شدند که دلیل دیگری برای انبات نظریات خویش پیدا کرده‌اند. این دلیل چه بود؟ تلاش روسیه شوروی در جهت تراکم و توسعه صنایع و وسایل مولد و آهنگه سریع صنعتی شدن در دهه ۱۹۳۰ برای مدتی کوتاه به‌این آمدن سطح زندگی مردم روسیه انجامید. رهبران رویزیونیست سوسیال دموکراسی برای بهره‌برداری از این فرصت شروع به تبلیغات ضد مارکسیستی کردند و مدعی شدند که لنین آمدن سطح زندگی دولتها در روسیه شوروی بخود دلیل روشنی بر «سرمایه‌داری» بودن آن است. آنها می‌گفتند در کشوری که «انبات» به‌عینه کارگران» به حد اکثر خود رسیده است، باید روابط سرمایه‌داری حکمفرما باشد.

یکی از نخستین کسانی که صنعتی شدن زمان استالین را با سرمایه‌داری برابر دانست، تونی کلیف تروئیکست انگلیسی است که در دهه ۱۹۳۰ گروه «سوسیالیستی انترناسیونال» بریتانیا را به‌صحنه داشت. ادعای «انبات» ساوی است با «سرمایه‌داری» که هنوز نیز عدما از طرفداران نظریه سوسیال‌امپریالیسم آن را عنوان می‌کنند یکی از متبلترین وسایل و فریادگانه‌ترین طریقه یکی دانستن وسایل تولید با سرمایه‌داری است. در حالی که هرکس انهای مارکسیسم را خوانده باشد می‌داند که وسایل تولید به‌خودی خود سرمایه نیستند. در واقع وسایل تولید زمانی سرمایه به‌حساب می‌آیند که در مالکیت خصوصی بوده و به منظور تولید کالاها و تنها برای کسب سود در جریان تولید قرار گیرند. در پاسخ کسانی که «انبات» وسایل تولید را به‌عینه کارگران «سرمایه‌داری» می‌نامند و مدعی می‌شوند که کارگران باید محصول کار خود را «بدون کم و کاست» دریافت کنند باید گفت که اساساً بدون اختصاص دادن بخشی از حاصل کار کارگران به‌گسترش صنایع تولیدی امکان پیشرفت سوسیالیسم و تحقق جامعه کمونیستی وجود ندارد. توضیح مارکس درباره ماهیت و سازمان دولت کارگری که تحت عنوان «نقد برنامه ۱۸۷۵» انتشار یافت شامل مباحثی است در رابطه عقیده لسانی‌ها که ساده لوحانه خیال می‌کردند در جامعه کمونیستی «همه کارگری باید بی‌کم و کاست حاصل کارش را دریافت کنند. مارکس در این اثر به‌روشنی بیان می‌کند که در جامعه کمونیستی بخشی از مازاد برصرف باید صرف «انبات» وسایل انسانی تولید شود.

مارکس در این اثر چنین می‌گوید «از مجموع تولید اجتماعی که در نتیجه کار اجتماعی به‌دست آمده است اقلام زیر باید کسر شود و باقی‌مانده در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد. نخست مقداری برای جانشین‌سازی وسایل تولیدی که مصرف شده است. دوم مقداری برای توسعه تولید (توجه کنید که همین توسعه تولید را که در دهه ۳۰ باعث کاهش مختصر در سطح زندگی مردم روسیه شوروی شده بود رویزیونیستها به حساب سرمایه‌داری بسوخت این کشور می‌گذاشتند) سوم اندوخته یا صندوق تأمین بسترای مقابله با اتفاقات و نابسامانیهای حاصله از مباحث طبیعی. کاستن این اقلام از «مجموع بی‌کم و کاست» کاره «یک ضرورت اقتصادی است و میزان آن باید از یک طرف با توجه

اعتصاب دو میلیون کارگر در انگلستان

اعتصاب دو میلیون کارگر در انگلستان در روز ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت کارکنان بخش خطی از صنایع انگلیس دست به‌اعتصاب زدند. این اعتصاب که توسط اتحادیه‌های کارگری انگلیس صورت گرفت حدود ۲ میلیون کارگر بخش صنعتی انگلیس را شامل شد. کارگران اعتصابی خواستار ۲۹ ساعت کار هفتگی و حداقل ۱۷۹ دلار دستمزد می‌باشند. در حال حاضر حداقل حقوق پرداختی بیک کارگر صنعتی حاضر در انگلیس ۱۳۲ دلار می‌باشد. رهبران اتحادیه‌های کارگری اعلام کرده‌اند، چنانچه درخواستهای مورد قبول قرار نگیرد به‌اتحادیه‌های خود همچنان ادامه خواهند داد.

بزرگترین اتحادیه کارگری آمریکا خواستار ملی شدن نفت در این کشور شد

اتحادیه کارگری ایل - سوکرگرتین اتحادیه کارگری آمریکا است خواستار ملی شدن صنایع نفت در کشور شد و اعلام کرد رهبران این شرکتها از قدرت خود برای

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

پشتیاداد و نظرات انتقادی خود را به‌آدرس زیر ارسال نمایید. تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهمکده (میکند سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۵۵۹۹۹۹ (ساعات پراچمه و تلفن پستاد از ساعت ۴ الی ۸ عصر) آدرس بانکی - تهران، بانک ملی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۹۸. بنام عباس فضیلت کلام. از کلیه هموطنان مبارزخواهشمندیم پیش بانکی کمکهای مالی خود را که به‌بانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند. شماره حساب: اهواز - ۲۹۹۲ - بانک تهران شعبه مرکز محمد ابراهیم اکبری

حمله به خرمن، غلات و محصول روستائیان در دیوان دره

دیواندره - ناصر عزتی با صد مزدور مسلح گندم دهقانان تازه آباد را بهیضا میبرد. ناصر عزتی یکی از مالکان بزرگ دیواندره از سال ۱۳۳۵ تاکنون، با حمایت ژاندارمها و سایر ادارات دولتی زمینهای اغلب دهقانان را غصب کرده و هر ساله برای غارت روستائیان، هنگام دو و خرمن به آنها هجوم آورده و هفت ویست آنها را بهیضا برده است. اکنون نیز، طی چند روز گذشته، تا بهیچ صد نفر مزدور مسلح و آوردن چند دستگاه کباین شروع به مبروک کردن گندمهای دهقانان «تازه آباد» کرده است. دهقانان که اکنون دیگر حاضر به تسلیم در مقابل زورگویی مالکان بزرگ نیستند دست به مقاومت سسی زدند. افراد ناصر عزتی شروع به تیراندازی می کنند که منجر به زخمی شدن ۲ نفر می شود. افراد نامرسان نیز آتش تیراندازی کماحقا ادامه داشت، مقدار زیادی از گندمهای دو دره را بهیضا می بردند.

دهقانان روستای حسین آباد:

دولت مانع حفر کردن چاه برای آبیاری زمین خودمان است

زردن ساوه - درگیری بین دهقانان فقیر حسین آباد با شخصی بنام احمد احتیادی که مقدار زیادی زمین را از زمان رژیم شاهان غصب کرده، شدت پیدا کرده است. احمد احتیادی که اصلا ساکن ده نیست و چند منبع درآمد دارد، مالک مقداری زمین در جنوب حسین آباد است، و مقدار زیادی زمین در شمال ده را نیز به تصرف خود درآورده است و با حفر دوچاه در زمان شاه مملو، گذشته از زمین غصبی قشقی از زمینهای روستائیان را هم تصاحب کرده است. تصاحب زمین روستائیان به این ترتیب بوده که چون آنها نمیتوانستند سهم خود را برای حفر چاه بردارند، مجبور می شوند زمین خود را به احمد احتیادی واگذار کنند. البته احمد احتیادی با سوء استفاده از سادگی و بیاطلاعی روستائیان هزینه حفر چاه و در نتیجه قیمت سهام را خیلی بیش از حد واقعی آن اعلام کرده بود. از طرف دیگر چند سال قبل، اداره جنگلیایی، مرتع و زمینهای دیم روستائیان را که سالهای سال مورد استفاده آنها بود تحت کنترل گرفته مانع استفاده روستائیان از این حق طبیعی شد. روستائیان پس از قیام شکوهند زمینها، تصمیم گرفتند زمینهای دیم خود را دوباره مورد استفاده قرار دهند. آنها بعد از تقسیم این زمینها، با همکاری و خودیاری شروع به حفر چاه حلقه چاه برای آبیاری کردند. اما احمد احتیادی با استفاده از نفوذ و قدرت مالی با کمک ژاندارمری در سد درآمد که این زمینها را نیز تحت اختیار خود درآورد. روستائیان که در زمان رژیم شاه خائس برای استفاده از مرتع و زمینهای دیم بارها و بارها با مأمورین زورگوی شاهچه ژاندارمری و به جنگلیایی درگیری داشته اند، اکنون نیز برای احصال نفوذ احتیادی غاصب، تحت فشار آزار مأمورین ژاندارمری مأمونیه و ساوه قرار گرفته و بارها بوسیله پاسگاه بازداشت شده

دهقانان منطقه سنجابی: خانها و چپاولگران سلاح بدست بار دیگر به زورگویی پرداخته اند

پس از پیروزی قیام خونین غلتهای قهرمان ایران که به قیامت خون دهها هزار تن از محرومترین و زجر کشیده ترین مردم ایران تمام شد، فرصت طلبان ریاکار که تا پیش از قیام، هنگامی که مردم برای بیرون راندن استبداد و امپریالیسم درخون می فیلیدند، با دشمنان مردم و چپاولگران رژیم سابق بر سر یک سفره غذا می خوردند و در چپاولی پارتیزان میگردیدند، و یا در خارج از ایران و در آرامش بسر میبردند با نفوذ در کیتها و همکاری با به قدرت رسیدگان هنوز هم همان نیت خود را در پی می کنند. عسکرخان سنجابی یکی از اینگونه فرست طلبانی است که سالیان دراز خون دهقانان رنج کشیده کرد را میکشد است. عسکرخان سنجابی پیشین همواره از دوستان نزدیک استانداران وقت کرمانشاه و فرماندهان ژاندارمری، و همه کاره حزب رستاخیز در منطقه سنجابی و



در مجلس خبرگان باید کسانی انتخاب شوند که درد کارگران و زحمتکشان را بفهمند

از حرکت تانکها بسوی شهر سننجد میگردند. این تشنج که شمولیت تمامی آنچیزه دولت می باشد شرایطی را فراهم کرده بود که در آن نیروهای مترقی فرست تبلیغات و حتی برگزاری میتینگ را نداشته و علاوه بر اینها در تاریخ ۲۵ مرداد در مراجع و حلق بست متفرقه دست به اشغال رادیو تلویزیون زدند و بهیضورت این وسائل ارتباط جسمی هم بدست مرجعین افتاد و آخرین فرست که نیروهای خلقی میتوانند تاحدودی در رابطه با مجلس «خبرگان» از طریق رادیو و تلویزیون در روستاها و روستاییان (بخصوص رادیو در روستاها) به توضیح و تشریح چگونگی آن پردازند، سلب شد و علاوه بر اینکه هیچ امکان تبلیغاتی و افکارگرای برای نیروهای انقلابی پسای نماند و نیروهاییکه با هدف افشای ماهیت دولت و قانون اساسی در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کرده بودند، استفاده دادند. این بار کنترل تبلیغات و تعیین نوزدهای رای گیری توسط فرمانداری صورت گرفت و فرماندار آگاهانه اسامی کسانی را که قبلا استفا داده بودند، روی پلاکاردی نوشته و بدون هیچگونه توضیحی در معرض دید مردم قرار میداد و این امر باعث میشود که پس از نیروها باین افراد که استفا داده بودند رای دهند. فرماندار از معرفی کاندیداها باین دلیل که اگر آنها را معرفی کنیم باعث تبلیغات برای این افراد میشود، خودداری کرده و باسلاخ میخواست با این عمل خود را بیطرفانه نشان دهد! اما آگاهانه با این کار مانع گشته است که مردم

کاندیداها را بشناسند و در انتخابات آسان آزادی عمل داشته باشند. ما اعتقاد داریم که معرفی کاندیداها باعث تشویق مردم برای دادن میگردند چرا که مردم کاندیداها را شناختند و میتوانند آزادانه انتخاب کنند. علاوه کلام، نظامی کردن منطقه، عدم توجه بهسئله طبقاتی و ملی در کرمانشاه، بهتلفظ و رای تراشی متوسل شدن برای استقرار جمهوری اسلامی و انتخاب خبرگان نشاندهنده اوج بی توجهی مردم و سیاست دشمنی با دگرسانی خلقی و خواستهای برحق کارگران دهقانان و زحمتکشان است. قانون اساسی ایران از کدام راه با کدام روش و از چه مجلسی تصویب میسرند خبرگان که انگونه انتخاب شوند مسلما ششعلی ترین قوانین را بر کرده مردم سوار میکنند و شهرزاد میهن را از هم می پاشند. امپریالیسم و ارتجاع سوسیالیستی که بر علیه خلق تدارک دیداند و به قیمت جان- هزاران هممیهن ما میخواستند سلطه امپریالیسم را مجددا مسلط گردانند. چون دولت تصمیم گرفته ارتش را بر کرمانشاه مسلط کند بهمرهانه متوسل میشود و اگر بهانه ای یافت نشود خود توطئه میچیند تا نقشه خود را اجرا نماید. هیش نظار نیروهای سیاسی را کتک میزنند؛ رفتاری که اعلامیه و تراکت حمل میکنند با چاقو میزنند دستگیر و زندانی می نمایند و حتی بهتهدات میرسانند (ونداد ایبانی در شیرگاه)، در اکثر دهات رای گیری نمی کنند و در شهرها با اعلام اسامی افرادی که کتک میزنند نتیجه را مخدوش می کنند مفتی کنار مهرو و لی اعلام نمی شود و رای شکنی آغاز میشود، تمامی کسانی که از کاندیداتوری استضا

دیده چون رادیو تلویزیون بوسیله صال مفتی تسخیر شده بود به اطلاع مردم نرسید و در نتیجه عمده ای که رای میدادند بهیچای کاندیداها موجود به افراد متخسی رای دادند. این بهیچای باضافه تقلبات فراوان که دیگر جزء لاینفک انتخابات است باعث شد دو نفر از دوشهر کم جمعیت ولی شیه منخب از صندوق آراء بیرون کشیده شوند. مردم ما باید هشیار باشند و برضد این اقدامات ضد دگرکارتیک قاطعانه عمل کنند نشان بدهند. بی توجهی دولت و هیات حاکمه را نسکو می کرد و نشان دهند که هر ملتی حق دارد حاکم بر سرنوش خود باشد. دولت باید بداند با توطئه و دسیسه ناپنده تراشیدن نه تنها کم بعمل مسئله کرمانشاه نمی ناید بلکه بیشتر از پیش اوضاع را وخیم تر می نماید.

ما متقدیم مسئله کرمانشاه زمانی حل خواهد شد که مردم در تعیین سرنوش خود سهم باشند. و تسهیلات یکجانبه و انحصار طلبانه برای آنها اتخاذ نگردد. ما ایسان داریم برای زحمتکشان مسئله سنی و شیعه بودن و اصولا مسئله کرد یا غیر کرد بودن و مذهبی یا غیر مذهبی بودن و... مطرح نیست، مردم می خواهند کسی را انتخاب نمایند که بتواند از منافسان حمایت نماید و دست انصارگران و سلطه گرایان را اثناء نماید. مردم میخواستند درمجلس خبرگان کاسی بهداری بنشینند که مردمی باشند و درد کارگران و زحمتکشان را بفهمند ولی آیا برای هیات حاکمه هم مسئله منافع مردم مطرح است؟ ما متقدیم که انتخابات مجلس خبرگان در کرمانشاه غیر قانونی، تطلب آمیز و مزورانه است، و باید حتما تجدید کرد.

مردم زحمتکش جنوب غربی اراک با مشکل بی آبی روبرو هستند

اراک - زمانی که حتی یک «خرده» سرمایه دار، با حفر چاه، صدها هکتار زمین مزروعی را مشروب می کند آیا دولت قادر نیست آب آشامیدنی یک منطقه را تامین نماید؟ مردم زحمتکش «مسئله فوتبال» در جنوب غربی اراک که از پرجمعیت ترین محلات این شهر می باشد با مشکل کم آبی روبرو هستند. مشکل این محرومان در تابستان با قطع کامل آب غیر قابل تحمل می شود. مردم مسله که اکثر اراک روستائیان کوچ کرده به شهر هستند و بیشتر در کارهای ساختمانی به کارگیری میشوند در سالهای گذشته همیشه با سازمانهای آب و برق درگیری داشته اند. درمسئله فوتبال انتظار داشته اند که این مشکل پس از سرنگونی شاه و روی کار آمدن دولت جدید حل شود، لیکن بعد از ماهها انتظار هنوز به نتیجه ای نرسیدند. مردم مسله بالاخره بوسیله چهار نفر ناپنده انتضایی خود مشکل بی آبی را با رئیس سازمان آب اراک در میان گذاشتند. اما مسئولین

سازمان بهداند وعده اکتفا کردند. از سوی دیگر مردم هم برای رسیدن به خواسته خود پافشاری داشتند و بهوعده راضی نمی شدند. در همین حال برخی از عناصر کمبته در بین اهالی مسله که در جلوی سازمان آب جمع شده بودند رفتند و سعی درمنصرف کردن ذهن آنها می کردند و اعتراض مردم را نسبت به بی آبی نتیجه تحریک «چپ» ها می خواندند. مردم پس از ساعات طولانی، بالاخره بدون گرفتن نتیجه ای محل سازمان آب را ترک کردند در حالی که مشکل آنها هنوز باقیست. مردم مسله می دادند کمبتهل آنها با وعده حل نخواهد شد و همینطور هم می دادند که هیچکس نمیتواند آنها را ضد انقلابی بخواند چرا که تامین آب جزو حداقل خواستهای اجتماعی هر انسانی است. بیز مردی می گفت: «شد انقلاب خودشان هستند که با مردم اینطوری رفتار می کنند.»

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

یاد رفیق شهید جهانبخش پایداری گرامی باد

* رفیق شهید جهانبخش پایداری در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری در شبستر پدید آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شبستر به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ بملت آمد. ساعد بودن وضع مالی خانواده اش مجبور شد وارد نیروی هوایی شود. او در قسمت غیر نظامی مشغول به کار شد، در سال ۴۸ در عین اینکه در نیروی هوایی بود به دانشکده تعاون و روستا رفت. در زمستان سال ۵۵ در رابطه با گروهی دستگیر شد و دو سال در زندان بود. در این فاصله پدرش را از دست داد و خانواده اش احتیاج به کمک مالی او داشتند ولی رفیق پس از آزادی فعالیت خود را از سر گرفت.

چندی نگذشت که منضم شد و در اواخر سال ۵۳ به سازمان چریکهای فدایی خلق پیوست. در تاریخ ۱۷ مرداد ۵۴ در یکی از دعات اطراف مشهد در جریان فعالیت روستائی سازمان چریکهای فدائی خلق در یک درگیری به شهادت رسید. او پیش از شهادت موفق شد تعدادی از مزدوران رژیم را بکشد. یادش گرامی باد.

مردم مازندران خواهان دستگیری و اعدام قاتلان و نداد ایمانی شدند

● تلویزیون مازندران مصاحبه‌ای با خانواده و نداد ترکیب داد و بعد تهیه کنندگان این برنامه به تهران احضار شدند

قائم‌شهر - شهادت رفیق و نداد ایمانی در قان شهر و سایر شهرهای مازندران انعکاس وسیعی داشته و هفته گذشته گروههای مختلف مردم در دادگستری متحصن شدند آنها طی قطنامه‌ای خواهان دستگیری عاملین قتل، مجازات مزدورانی نظیر ستوان شاکری، انضام کمیته متانکلا و پیگرد گروههای فشار شدند. در همین بیانیه گفته شده است: آزادی فعالیت سیاسی برای همه گروههای سیاسی باید تضمین شود. سازمانهای مترقی و گروههای مختلف مردم در بیانیه‌ها و اجاضات که ترتیب دادند سخن تبلیغاتی از فدایی شهید و نداد ایمانی و یادآوری مبارزات او، از مسئولان خواستند. نیست.

با توجه به شانه‌هایی که موجود است قاتلان و نداد ایمانی را دستگیر و محاکمه کنند. پنجشنبه شب تلویزیون مازندران برنامه‌ای درباره فدائی شهید و نداد پیش کرد. در این برنامه با مادر و همسر و نداد و برادر همسرش درباره خصوصیات او صحبت شده بود. این برنامه که با بار عاطفی قوی خود ماهیت ارتجاع را بر ملا میکرد شنیده مورد توجه مردم قرار گرفت و تأثیرات زیادی بجا نهاد. بدینال پیش این برنامه تهیه کنندگان آن را از طرف تلویزیون به تهران آورده‌اند و هنوز (بعد از ظهر شنبه) از آنها خبری در دست نیست.

دانشجویان ایرانی در خارج پلیس آلمان را محکوم می کنند

● دانشجویان ایرانی بخاطر رفقای زندانی خود در محسن و اعتصاب غذا بسر می برند
● دانشجویان از دولت نمی‌خواهند در این مورد، بجای سکوت اقدام قاطع بعمل آورد

در روزهای اول مردمان، بدینال اعلام لیست دانشجویانی که در خارج از کشور در محسن ساواک فعالیت میکردند، و افشاکاری دانشجویان مترقی و مبارز ایرانی در آلمان، پلیس آلمان به دانشجویان ایرانی در آلمان حمله کرد. بعد از ضرب و جرح و شکنجه دانشجویان، چندین نفر آنها را بازداشت و پنجاه نفرشان را از آلمان اخراج کرد. دانشجویان زندانی (از تاریخ هجدهم مرداد) در اعتصاب غذا بسر می‌برند و حال هفده نفر از آنها بسیار وخیم است. کفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی (اتحادیه ملی) تاکنون طی بیانیه‌هایی به این کار فاشیستی پلیس آلمان اعتراض کرده‌اند. دولت ایران خواهان است هر چه سریع‌تر به این ساله رسیدگی کند اما گویا تاکنون هیچ اقدامی از جانب دولت، صورت نگرفته است. علاوه بر این از محصلین و دانشجویان ایرانی در برلین

و فرانکفورت در حمایت از دانشجویان زندانی که بخاطر افشای ساواکیها بزندان افتاده‌اند به محسن و اعتصاب غذا دستزده‌اند. روزی پنجاه یازده ایرانی دیگر بخاطر همین ماجرا در آلمان بازداشت شده‌اند. دانشجویان ایرانی در خارج که مورد حمایت نیروهای مترقی و مبارز قرار گرفته‌اند میگویند دولت ایران که تاکنون خود در افشای اسرار ساواک و جناس مزدور و خود فروخته آن اقدامی نکرده است با سکوت در مقابل این حرکت فاشیستی پلیس آلمان، عملاً آنرا تأیید میکند. کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در یکی از بیانیه‌های خود میگوید: ما بدولت افکار میگویم که در صورت ادامه همکاری با پلیس فاشیست آلمان، دست به افشاکاری هم‌چنانچه در سراسر جهان

بقیه در صفحه ۴

معرفی کتاب
«چندی پیش مصاحبه‌ای حاوی نظرات رفیق اشرف دهقانی انتشار یافت... در کتاب پاسخ به مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی، گوش شده است، مواضع و مسأله‌ها را که در مصاحبه مطرح شده، بشکافیم... و دیدگاههای نادرست رفیق مصاحبه‌کننده را خاطر نشان سازیم. با این امید که آنچه مطرح می‌کنیم بتواند در خدمت پاسخگویی مسأله نظری جنبش قرار گیرد...»



تدارک برگزاری هفته صمد در تهران و تبریز

کمیته هماهنگی برگزاری هفته صمد در تهران و تبریز طی اطلاعیه‌ای خواستار همکاری کلیه نویسندگان و هنرمندان معهد و سایر هموطنان مبارز برای برگزاری هفته صمد و بهتر شناساندن این مبارز پیششاز شده است. این کمیته در اطلاعیه خود از کلیه کسانی که شعر یا مقاله و اثری از صمد در دست دارند خواسته است یک نسخه از آنرا به دفتر دانشجویان پیشگام دانشگاه تبریز و یا دفتر دانشجویان پیشگام دانشگاه علوم دانشگاه تهران تحویل بدهند.

در مجلس خبرگان باید کسانی انتخاب شوند که درد کارگران و زحمتکشان را بفهمند

روزی ۱۲ مرداد ماه، روز انتخابات نمایندگان مجلس خبرگان بود. از روزها قبل از آن، توجه اکثریت مردم به قانون اساسی بود. آنها می‌خواستند بدانند که نمره انقلاب و جنبش شد امپریالیستی آنها در قانون اساسی چگونه است، اصولاً چگونه از منافع زحمتکشان و کارگران دفاع خواهد شد و با مسئله خوب بختری خلقی چگونه برخورد خواهد شد؟ مردم مبارز کردستان، حق تعیین سرنوشت را در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک، نه تنها برای خویش، بلکه برای تمامی خلقهای تحت ستم خواستارند.

اما سازشکاران مرتجع وابسته به امپریالیسم، این خواست برحق خلق کرد را که در رابطه با سایر خلقهای تحت ستم ایران صادق است، وارونه نشان داده و از طریق بلندگوهای خود در سنده تحریف واقعات و پامال کردن حقوق حقه این خلق تحت ستم برآمدند و برای تحریف و سرکوبی آنها دست به توطئه زده، قیامه موقت، فتوایها و اوپاشان را مسلحانه و بطور وحشیانه‌ای بجان مردم زحمتکش شهر و روستا می‌اندازند و ارتش را در مناطق کردنشین و حساس تقویت می‌کنند و جنگهای خونینی را بر مردم مبارز کرد تحمیل می‌نمایند (سنج، فقه، سرو و...).

این بار توطئه ارتجاع و امپریالیسم، کشتار و آواره کردن مردم بی‌دفاع و زحمتکش می‌روان بود که توسط «پاسداران انقلاب اسلامی» که در تاریخ ۲۳ مرداد ۵۸ صورت گرفت. بر اساس این توطئه، مردم مبارز میروان آواره گشته و دولت هم بجای توجه به مصوفاستهای آنها و اعتدال به مردم، تانک و توپ و مستونهای

ارتنی را روانه سنج و میروان می‌کنند. همچنین یک هیئت اجرامی به نام اندکی لاهوتی و سپس چهران (معاون نخست‌وزیر) بافته های از قبل طرح شده می‌فرستد و هیئت اجرامی در جلانی که با شورای موقت میروان داشت، همان سیاستهای دولت مبنی بر برتری میروان داشت. همان سیاستهای دولت مبنی بر برتری میروان داشت. بر سر کنترل شهر توسط ارتش امر از میروان. این وقایع در زمانی اتفاق می‌افتد که می‌بایست خلق کرد در رابطه با مجلس «خبرگان» نظر دهد. به‌انضام این مجلس که بر علیه منافع کارگران و زحمتکشان و سایر خلقهای تحت ستم ایران است، بپردازد. اما مجلس خبرگان با ماهیت مشخصش مورد توجه مردم آواره شده میروان قرار نمی‌گیرد و به مسئله‌های فرعی تبدیل می‌شود.

از سوی دیگر تمامی زحمتکشان شهرهای دیگر کرد نشین (سنج، بوکان، پاره) همچون مردم مبارز سنج بی‌دفاع از آوارگان میروان با راهپیمائی بسوی میروان، پشتیبانی خود را اعلام نموده آنها در این راه، بی‌مانی سهم شدند چرا که دارای درهما و خواستهای مشترکی هستند.

علاوه بر مسئله میروان که توجه تمامی زحمتکشان خلق کرد و نیروهای پیشرو را به خود جلب کرده بود، مسئله کامیابان مطرح میشود. و آن بدین صورت است که دولت بیش از ۱۳ تانک و ۹ رومی حامل پاسداران را حازم میروان میکند که در بین راه بوسیله مردم مبارز کامیابان جلوی حرکت آنها گرفته میشود. و با نشستن در روی چادمانها بقیه در صفحه ۶

فاصله طبقاتی را نمی‌شود ماست مالی کرد

(نقل از نشریه سرخه روجا شماره ۳)

در مملکت ما آقایان زحمت زیادی به‌فرمان می‌دهند که فاصله کارگر و کارفرما فاصله کار و سرمایه را ندیده بگیریم، می‌خواهند شکاف بین بهره‌کش و بهره‌بردار را با حرف پر کنند و دشمنی طبقاتی کارگر و سرمایه‌دار را ماستالی کنند.

می‌خواهند مفتخورهای گردن کلفت را در کنار کارگر زحمتکش بگذارند. نمونه این تلاش‌های منبوهانه در گزارش زیر مشاهده می‌شود.

این گزارشات توسط رفیق کارگری در اختیار ما گذاشته شده و ما عیناً مابین چاپ این گزارش کرده و خوانندگان نشریه را به قضاوت دعوت می‌کنیم.

یک نفر روحانی در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۵ به کارخانه نساجی شماره ۱ شاهی برای تشکیل شورای کارگری آمده و مطالبی ایراد کرده است. اینکه تشکیل شورای کارگری در داخل کارخانه چه ربطی به مواظ پیدا می‌کنند دیگر است.

اما ایشان حرفهای بسیار شیرینی زده‌اند. از جمله گفته است: ما فقط کسانی را که کار میکنند، کارگر نمی‌دانیم بلکه همه کسانی را که در پی ایجاد نظام نوئی هستند کارگر میدانیم، مثلا نویسندگان، کارگردان و کارشان نویسندگی است و سخنوران کارگردان و کارشان سخنوری است (منظور از سخنور واض می باشد).

این گزارشات توسط رفیق کارگری در اختیار ما گذاشته شده و ما عیناً مابین چاپ این گزارش کرده و خوانندگان نشریه را به قضاوت دعوت می‌کنیم.

با اینان حرفهای بسیار شیرینی زده‌اند. از جمله گفته است: ما فقط کسانی را که کار میکنند، کارگر نمی‌دانیم بلکه همه کسانی را که در پی ایجاد نظام نوئی هستند کارگر میدانیم، مثلا نویسندگان، کارگردان و کارشان نویسندگی است و سخنوران کارگردان و کارشان سخنوری است (منظور از سخنور واض می باشد).

بنابر تعریف آقا از کارگر می‌شود گفت: ترونیوار هم کارگر است و کارش ترونیوار است سرمایه‌دار هم کارگر است و کارش سرمایه‌داری است زمین‌خوار هم کارگر است، و کارش زمین‌خواری است دلال هم کارگر است و کارش دلالی است آقا در ادامه حرفها برای اینکه ذهن همه را ببندد و جای اعتراض باقی نگذار می‌گوید «بنابراین پروردگار هم کارگر است» البته این موضوع را ما تا حالا نمی‌دانستیم که پروردگار هم کارگر است، کارفرمانی دارد و خودش اهل درد است. این غیر بافت خوشحالی ما است برای اینکه پروردگار هم

می‌کند و غیر قابل فروش را قابل فروش و باب دندان صرف کننده می‌مازد.

۲- و بالاتر از همه کار نمود عینی دارد یعنی به چشم می‌آید دیدنی و سنجیدنی است بروی هر مانعای که کار انجام بگیرد مشخص می‌شود چون فرم و شکل آن تغییر می‌کند، بروی جای شا - خانه شاه، فرش و جانناز و تزیین و بیضهال و کولر شما کار انجام میدهد است و اینها همه دیدنی و سنجیدنی است و شما حدیثاً از روی مقدار کاری که روی این اجناس انجام شده برای آنها قیمت پرداخت کنید.

۳- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۴- کارگر برای امرام ماش کار می‌کند و مجبور است که کار کند - ماش چشم‌پاوری کارفرما نیست. و در راه رضای خدا هم کار نمی‌کند - بلکه برای سیر کردن شکم، برای ادامه زندگی ناچار بفروشی نیروی کار خود است.

۵- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

حالا با این خصوصیات که گفتیم اگر سرمایه‌دار و سخنور و پروردگار کارگر حساب می‌شوند شما حق دارید.

۶- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

ما این چیزها را با مطالعه و دقت در مواظت کارگر و سرمایه‌دار در همین جامعه بدست آوریم. هدف ما این بود که شما را از لیست کارگر حذف کنیم، بنابراین ما را کافر خطاب نکنید. اما بروی سرچشمه حرف آقا، واض محترم در ادامه حرفهای خود جمله‌ای آورده و بدین مضمون «اگر کسی در کارخانه کار کند و آتقدر کار کند که حساباً بپردازد شهید حساب می‌آید» این جمله را به حساب حدیثی از پیشتر گذاشته است: البته ما این حدیث را طوری دیگری شنیده بودیم که بهینتر گفته است «اگر کسی برای حفظ مزه‌های که خود آنرا آباد کرده است جهاد کند و کشته شود شهید حساب می‌آید» یعنی برای حفظ حقوق خودش بجنگد، شهید است. کسی که برای سرمایه‌دار آتقدر کار کند تا بپردازد شهید نیست بلکه بلانیت شما احق است و کسی که این کار را به کارگر توصیه می‌کند روحانی نیست بلکه شیطان است.

۷- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۸- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۹- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۰- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۱- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۲- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۳- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۴- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۵- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۶- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۷- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۸- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۱۹- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۰- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۱- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۲- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۳- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۴- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۵- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۶- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۷- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۸- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۲۹- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۳۰- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.

۳۱- کار بنظور - اینست که اشیاء و مواد خاصیت صرف پیدا کنند اگر کسی زمین را بیهوده زیر و رو کند و یا سنگها را روی هم بچیند - کار نکرده است بلکه عمل بیهوده انجام داده است.